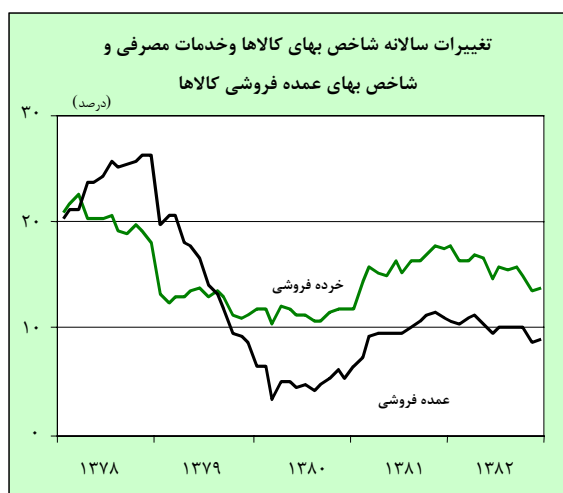


## فصل هفدهم

### روند قیمت‌ها

روند نزولی نرخ تورم در سالهای ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰، از ابتدای سال ۱۳۸۱ متوقف شد و شاخص مزبور روند افزایشی به خود گرفت. نرخ مذکور در سالهای ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۰ به ترتیب ۲۰/۱، ۱۲/۶ و ۱۱/۴ درصد بود و در سالهای ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ به ترتیب به ۱۵/۸ و ۱۵/۶ درصد بالغ گردید.

رشد ملایم عرضه کل و رشد قابل ملاحظه عوامل تشکیل دهنده تقاضای کل طی سه دهه اخیر در کشور، حاکی از عدم توازن مزمن بین نیروهای عرضه و تقاضای کل در اقتصاد ایران است. اکثر مطالعات درخصوص تورم طی این دوره نشان می‌دهند که منشأ اصلی تورم در اقتصاد ایران عوامل پولی می‌باشد. مقایسه روندهای بلندمدت رشد نقدینگی، رشد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی (شاخص تورم) و رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت، به روشنی نشان دهنده همسویی رشد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی و رشد تولید ناخالص داخلی است. کاهش نرخ تورم در سالهای ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ به رغم رشد قابل توجه نقدینگی در سالهای مزبور به منزله تغییر رابطه بلندمدت تورم و نقدینگی نیست، زیرا ایجاد این شکاف در مقاطع کوتاه مدت نمی‌تواند رابطه بلندمدت را سریعاً تحت تاثیر قرار دهد مگر آنکه رابطه جدید استمرار داشته باشد. شواهدی که از سالهای ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ در دست است پایداری رابطه جدید را تایید نمی‌کند.



بخشی از تورم موجود در اقتصاد کشور، ریشه در مشکلات ساختاری اقتصاد ایران دارد. عوامل ساختاری به رغم تغییر در سیاست‌های جاری، موجب ماندگاری تورم در اقتصاد می‌شوند. در اقتصاد ایران، از میان عوامل ساختاری موجب تورم، می‌توان به اتکای شدید منابع بودجه به عواید نفت، سهم بالای هزینه عوامل تولید خارجی<sup>(۱)</sup> در قیمت تمام شده محصولات داخلی، کاهش قیمتی پایین عرضه محصولات، انتظارات تورمی جامعه، نقدینگی انباشته در جامعه که به تناوب موجب تقاضای سفته بازی بر روی داراییهای حقیقی و مالی می‌گردد و بالاخره نبود دیدگاه آینده نگرانه به تورم خصوصاً در عقد قراردادهای اشاره کرد.

اعمال سیاست تعیین قیمت و دستمزد با توسل به سازوکارهای اداری از جمله سیاستهایی است که دولت طی دهه های اخیر با هدف کنترل تورم و حفظ قدرت خرید صاحبان درآمدهای ثابت اتخاذ کرده است. اعمال این سیاست از اواخر سال ۱۳۸۱ با تشکیل ستاد «کنترل و بررسی قیمتها» که با هدف ایجاد هماهنگی در سیاستهای مربوط به تعیین قیمت کالا و خدمات در بخش های مختلف تشکیل گردید وارد مرحله تازه ای شد. در ماههای اول سال ۱۳۸۲ بدنبال افزایش قیمت کالاهای اساسی، ستاد «کنترل و بررسی قیمتها» در جلسه مورخ هشتم تیرماه، ضمن بررسی مجدد قیمت کالاهای اساسی، کاهش قیمت برخی از این کالاها را با هدف کنترل تورم تصویب نمود. در سال ۱۳۸۲، علاوه بر مصوبه مذکور، مصوبه شماره ۱۹۱۰۸/ت/۲۸۳۳۶هـ مورخ ۱۳۸۲/۴/۱۱ و مصوبه شماره ۱۹۱۷۵/ت/۲۸۳۳۶هـ مورخ ۱۳۸۲/۴/۲۲ هیات وزیران به منظور جلوگیری از افزایش قیمتها، تنظیم بازار از طریق ذخیره سازی و استفاده از آن در مواقع خروج قیمت کالاهای منتخب از دامنه قیمت تعیین شده، اقدام وزارتخانه های مسئول به واردات در مواقع محدودیتهای مقطعی عرضه و ارائه گزارش ارزیابی آثار تورمی طرحهای اقتصادی و راهکارهای اجرایی توسط دستگاههای اجرایی، شرکتهای دولتی و نهادهای عمومی، تصویب شد.

تعیین اداری قیمتها گرچه ممکن است در کوتاه مدت در کنترل تورم موثر باشد لیکن به دلیل ایجاد اختلال در قیمتهای نسبی کالاها و خدمات منجر به تخصیص غیر بهینه منابع خواهد شد و سیاست پایداری تلقی نمی شود.

#### کادر ۵- قانون جلوگیری از افزایش قیمتها تا پایان برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

در تاریخ بیست و نهم تیرماه سال ۱۳۸۲ قانون جلوگیری از افزایش قیمتها تا پایان برنامه سوم توسعه در اجرای سیاستهای کنترل تورم و به منظور گسترش رفاه عمومی و جلوگیری از افزایش قیمت کالاها و خدمات دولتی به تصویب مجلس شورای اسلامی و در تاریخ هشتم مرداد ماه همان سال به تایید شورای نگهبان رسید. در این قانون مقرر گردید که کلیه افزایش نرخ خدمات و کالاهای دولتی خارج از ضوابط قانون برنامه سوم لغو شود و به منظور تامین کالاهای اساسی یارانه ای درحد سال ۱۳۸۱ دولت موظف شد که ۱۰ درصد اعتبارات هزینه ای مجلس شورای اسلامی، نهاد ریاست جمهوری و ستاد قوه قضاییه را کسر و به ردیف مربوط به یارانه کالاهای اساسی اضافه نماید. همچنین دولت مجاز شد تا ۵ درصد از اعتبارات هزینه ای هر یک از دستگاههای اجرایی کشور را که از بودجه عمومی استفاده می کنند کسر و به ردیف یارانه کالاهای اساسی اضافه کند.

نظام سهمیه بندی کالاها به رغم اصلاح ماده ۴۶ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، در سال ۱۳۸۲ همانند سالهای گذشته ادامه یافت<sup>(۱)</sup> و ۱۹۳۲۲/۸ میلیارد ریال یارانه بابت کالاها و خدمات توسط دولت پرداخت شد. این میزان یارانه نسبت به سال قبل ۶۱۷۰/۳ میلیارد ریال (به میزان ۴۶/۹ درصد) افزایش یافته و نسبت یارانه پرداختی به تولید ناخالص داخلی از ۱/۴ درصد در سال ۱۳۸۱ به ۱/۸ درصد در سال ۱۳۸۲ رسید. از کل یارانه مذکور، ۱۱۷۸۷/۱ میلیارد ریال (۶۱/۰ درصد) بابت خرید گندم، ۹۲۲/۵ میلیارد ریال (۴/۸ درصد) بابت شیر، ۷۹۰ میلیارد ریال (۴/۱ درصد) بابت قند و شکر، ۵۶۰/۹ میلیارد ریال (۲/۹ درصد) بابت کود شیمیایی، ۴۱۵ میلیارد ریال (۲/۱ درصد) بابت گوشت و ۳۱۶/۴ میلیارد ریال (۱/۶ درصد) بابت پنیر اختصاص یافت. بخش عمده یارانه پرداختی در جهت حمایت از مصرف کنندگان بوده است.

براساس ماده (۵) قانون برنامه پنجساله سوم توسعه (۸۳-۱۳۷۹)، دستگاهها و شرکتهای دولتی اجازه یافتند قیمت کالاها و خدمات عرضه شده خود را سالانه حداکثر به میزان ۱۰ درصد افزایش دهند. با توجه به آنکه سالانه مبالغ معتدلی

۱- براساس بند (الف) قانون اصلاح ماده ۴۶ قانون برنامه سوم توسعه: «دولت مکلف است حداکثر تا پایان سال دوم برنامه سوم توسعه، با انجام مطالعات و بررسیهای کارشناسی اقدامات قانونی به منظور هدفمند نمودن پرداخت یارانه کالاهای اساسی شامل گندم، برنج، روغن نباتی، قند، شکر، پنیر، شیر، دارو، شیرخشک، کود، بذر، سم، حاملهای انرژی و سایر موارد را انجام دهد» (مصوب ۱۳۷۹).

یارانه پنهان از طریق عرضه برخی کالاها و خدمات دولتی با قیمت های پایین به جامعه انتقال می یابد، مجوز فوق تا حدودی از گسترش این یارانه پنهان جلوگیری می نماید.

### درصد تغییر سالانه متوسط شاخصهای قیمت

۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	
۱۵/۶	۱۵/۸	۱۱/۴	۱۲/۶	۲۰/۱	شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری
۱۰/۱	۹/۶	۵/۱	۱۴/۸	۲۴/۲	شاخص بهای عمده فروشی کالاها
۱۵/۷	۱۳/۵	۱۰/۹	۱۶/۲	۲۲/۹	شاخص بهای تولید کننده
۱۱/۷	۵/۷	۱/۳	۱۷/۷	۵۹/۸	شاخص بهای کالاهای صادراتی
۱۲/۱	۲۸/۳	۱۱/۶	۲۶/۵	۳۰/۰	شاخص ضمنی تولید ناخالص داخلی (به قیمت پایه) (۱)
۱۲/۸	۱۵/۹	۱۲/۶	۲۲/۵	۲۰/۳	شاخص ضمنی تولید ناخالص داخلی بدون نفت (به قیمت پایه) (۱)

۱- رقم مربوط به سال ۱۳۸۲ مقدماتی است.

### ۱- روند عمومی قیمتها

شاخص های قیمت برای مطالعه اوضاع اقتصادی یک کشور بکار گرفته می شوند. از اهداف محاسبه این شاخصها، اندازه گیری قدرت خرید پول ملی، تنظیم حجم پول در جریان، اندازه گیری تغییرات هزینه زندگی خانوارها، تشخیص فشارهای تورمی، تشخیص شرایط مبادله بخشهای مختلف تولیدی و دنیای خارج، محاسبه درآمد ملی به قیمت ثابت و بررسی اوضاع عمومی اقتصاد کشور را می توان نام برد. به علت تفاوت اهداف مطالعاتی، محاسبه شاخصهای قیمت در بخشهای مختلف اقتصادی به صورت جداگانه صورت می پذیرد تا با کمک انواع شاخص های قیمت تصویر شفاف و روشنی از وضعیت اقتصادی حاکم بر جامعه بدست آید.

#### کادر ۶- معرفی شاخصهای قیمت

##### شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی (CPI)

شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی (Consumer Price Index) یکی از مهمترین شاخص های قیمت و به عنوان یک نماگر مهم برای سنجش نرخ تورم و قدرت خرید پول داخلی کشور، از ابزارهای مهم برای برنامه ریزان اقتصادی جهت تعیین وضعیت اقتصادی کشور در زمانهای مختلف، و راهنمایی جهت تعیین سیاستهای پولی و مالی می باشد. از این شاخص جهت طرح ریزی برنامه های رفاهی و تامین اجتماعی، تعدیل مزد و حقوق و تنظیم قراردادهای دو جانبه استفاده می شود و همچنین به عنوان یک تعدیل کننده (Deflator) برای محاسبه قیمت های ثابت در حسابهای ملی بکار می رود.

شاخص CPI معیار سنجش تغییرات قیمت تعداد ثابت و معینی از کالاها و خدماتی است که توسط خانوارهای شهرنشین به مصرف می رسد. شاخص مزبور وسیله ای برای اندازه گیری سطح عمومی قیمتها در بازار خرده فروشی بوده و یکی از بهترین معیارهای سنجش نرخ تورم و قدرت خرید پول کشور می باشد. در جریان تجدید نظر سال ۱۳۷۶، ۳۱۰ قلم کالا و خدمت از سبد مصرفی خانوارهای شهری جهت محاسبه این شاخص انتخاب گردید.

##### شاخص بهای عمده فروشی کالاها (WPI)

شاخص بهای عمده فروشی کالاها (Wholesale Price Index) یکی از شاخصهای قیمت است که به عنوان یک نماگر اقتصادی، تغییرات سطح عمومی قیمت ها در بخش عمده فروشی کالاها را اندازه گیری می کند. سابقه محاسبه این شاخص به سال ۱۳۱۵ باز می گردد. از این نظر، سری زمانی شاخص بهای عمده فروشی کالاها در ایران طولانی ترین دوره زمانی را در بین انواع دیگر شاخص های اقتصادی دارا می باشد.

## ادامه کادر ۶- معرفی شاخصهای قیمت

طی سالهای گذشته، اغلب کشورهای پیشرفته جهان، تولید شاخص بهای عمده فروشی کالاها را متوقف نموده و به جای آن از شاخص بهای تولید کننده (PPI) استفاده می نمایند ولی در ایران به دلیل برخی تفاوت‌های شاخص مذکور با شاخص بهای تولید کننده و نیز حفظ سری زمانی شاخص بهای عمده فروشی تصمیم به ادامه تولید این شاخص گرفته شد. از آنجا که قیمت عمده فروشی کالاهای مشمول شاخص حتی الامکان باید از اولین بازار عمده فروشی که غالباً محل تولید کالاهاست جمع آوری گردد، لذا در محاسبه این شاخص برپایه تجدید نظر سال ۱۳۷۶، قیمت‌ها از تهران و ۴۰ شهر دیگر کشور که محل تولید یا بازار عمده فروشی کالاها هستند جمع آوری می شود. تعداد اقلام مشمول این شاخص ۱۰۲۶ قلم می باشد.

### شاخص بهای تولید کننده (PPI)

شاخص بهای تولید کننده (Producer Price Index) یکی از انواع شاخص های قیمت است که با توجه به توسعه تئوری های جدید اقتصادی، استفاده از آن هم به عنوان یک نماگر مهم اقتصادی و هم به دلیل آنکه از نظر مفهومی کاربرد آن در حسابهای ملی مفیدتر واقع می شود، اهمیت ویژه ای یافته است.

در محاسبات مربوط به این شاخص تغییرات قیمت کالاها در مراحل مختلف فرآیند تولید (مواد اولیه، کالاهای واسطه ای و کالاهای ساخته شده) و در بخشهای مهم اقتصادی مورد محاسبه قرار می گیرد.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مطالعات مقدماتی خود را از اوایل سال ۱۳۷۴ جهت تهیه و محاسبه این شاخص آغاز نمود. شاخص مذکور برای اولین بار در ایران بر پایه سال ۱۳۶۹ تهیه و منتشر گردید. با تغییر سال پایه شاخصهای اقتصادی از سال ۱۳۶۹ به سال ۱۳۷۶، سال پایه این شاخص نیز تغییر یافت. تعداد اقلام مشمول این شاخص براساس تجدید نظر مذکور ۱۱۲۹ قلم کالا و خدمت می باشد.

در سالهای قبل، در بیشتر کشورهای پیشرفته جهان شاخص بهای عمده فروشی کالاها که از قدیمی ترین سریهای زمانی اقتصادی می باشد تهیه می گردید. این شاخص در ابتدا با هدف اندازه گیری تغییرات قیمت کالاهای مبادله شده در بازارهای اولیه تهیه می شد. به دلیل برخی ناهماهنگی ها در تهیه این شاخص، شاخص بهای تولید کننده بوجود آمد. تفاوت اساسی این دو شاخص به شرح زیر است:

شاخص بهای عمده فروشی کالاها در مفهوم عادی، تغییرات قیمت کالاهایی را که در بازار عمده فروشی مورد داد و ستد قرار می گیرند، اندازه گیری می نماید در حالی که قیمت‌های تولید کننده به قیمت‌هایی گفته می شود که خریدار در ازای خرید کالا به تولید کننده می پردازد و قیمت‌هایی که به عمده فروش، خرده فروش و یا دیگر حلقه های زنجیره توزیع پرداخت می گردد مورد نظر نمی باشد. قیمت‌های تولید کننده قیمت فروش تمام کالاها و خدمات تولید شده و عرضه شده به عمده فروشان، خرده فروشان داخلی و دیگر صنایع و یا صادر شده به کشورهای خارجی را منعکس می کند. در شاخص بهای عمده فروشی کالاها مقادیر فروش در بازار عمده فروشی مطرح می گردد در صورتیکه در شاخص بهای تولید کننده مقادیر تولید مورد توجه هستند. فرق مقدار فروش و مقدار تولید، در مقدار موجودی یا ذخیره می باشد.

همچنین بسیاری از بخشهای مختلف صنایع در موسسات کوچک، که در آنها کالاهای تولیدی مستقیماً توسط تولید کنندگان به مصرف کنندگان نهایی فروخته می شود، نظیر تولید نان، مبلمان، پوشاک، کفش و ... در شاخص بهای عمده فروشی کالاها مورد پوشش قرار نمی گیرند. حال آنکه در شاخص بهای تولید کننده که کل فعالیتهای اقتصادی کشور را پوشش می دهد این قبیل کالاها نقش مهمی دارند. از بخشهای مهم اقتصاد، بخش خدمات نظیر گاز، برق، آب، ارتباطات و ... است که محاسبه تغییرات قیمت آنها در شاخص بهای تولید کننده مطرح می باشد ولی در شاخص بهای عمده فروشی کالاها مد نظر قرار نمی گیرد. قیمت کالاهای وارداتی که یکی از بخشهای مهم شاخص بهای عمده فروشی کالاهاست در شاخص بهای تولید کننده وارد نمی شود.

تغییرات متوسط شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در دوازده ماهه منتهی به هر ماه نسبت به دوره مشابه سال قبل نشان می‌دهد که روند نزولی این نرخ که از نیمه دوم سال ۱۳۷۹ آغاز شده و تا پایان سال ۱۳۸۰ با نوسانات اندکی ادامه داشت، از ابتدای سال ۱۳۸۱ سیر صعودی به خود گرفته و این روند تا پایان مرداد ماه ۱۳۸۲ ادامه داشته‌است. شاخص مذکور از مرداد ماه سال ۱۳۸۲ روندی کاهنده داشته و در پایان سال ۱۳۸۲ به حداقل میزان خود در این سال (۱۵/۶ درصد) رسید.

تغییرات متوسط شاخص بهای عمده فروشی کالاها در دوازده ماهه منتهی به هر ماه نیز نشان می‌دهد شاخص مذکور که در طول سال ۱۳۸۱ و تا پایان مرداد ماه سال ۱۳۸۲ روند افزایشی داشت در ماههای پایانی این سال روند کاهشی داشته‌است. همچنین تغییرات شاخص بهای تولید کننده در دوازده ماهه منتهی به هر ماه نسبت به دوره مشابه سال گذشته نشان می‌دهد که روند افزایشی این شاخص که از ابتدای سال ۱۳۸۱ شروع شده بود تا پایان آذر ماه سال ۱۳۸۲ ادامه داشت و در ماههای دی، بهمن و اسفند سال مورد بررسی سیر نزولی ملایمی را طی کرده‌است.

#### درصد تغییرات متوسط شاخص های قیمت در دوازده ماه منتهی به هر ماه (نسبت به مدت مشابه سال قبل)

شاخص بهای تولید کننده		شاخص بهای عمده فروشی کالاها		شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی		
۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۱	
۱۳/۷	۱۰/۹	۱۰/۰	۵/۱	۱۶/۳	۱۱/۴	فروردین
۱۴/۰	۱۰/۹	۱۰/۲	۵/۱	۱۶/۵	۱۱/۶	اردیبهشت
۱۴/۴	۱۱/۰	۱۰/۴	۵/۶	۱۶/۵	۱۲/۱	خرداد
۱۴/۷	۱۱/۱	۱۰/۵	۶/۰	۱۶/۵	۱۲/۴	تیر
۱۵/۱	۱۱/۲	۱۰/۶	۶/۴	۱۶/۷	۱۲/۶	مرداد
۱۵/۳	۱۱/۵	۱۰/۶	۶/۸	۱۶/۶	۱۳/۰	شهریور
۱۵/۶	۱۱/۶	۱۰/۶	۷/۲	۱۶/۶	۱۳/۴	مهر
۱۵/۸	۱۱/۹	۱۰/۶	۷/۷	۱۶/۵	۱۳/۹	آبان
۱۵/۹	۱۲/۲	۱۰/۶	۸/۲	۱۶/۴	۱۴/۴	آذر
۱۵/۸	۱۲/۶	۱۰/۵	۸/۷	۱۶/۳	۱۴/۸	دی
۱۵/۷	۱۳/۰	۱۰/۳	۹/۱	۱۵/۹	۱۵/۳	بهمن
۱۵/۶	۱۳/۵	۱۰/۱	۹/۶	۱۵/۶	۱۵/۸	اسفند

بررسی ارتباط متقابل شاخص‌های بهای کالاها و خدمات مصرفی، عمده فروشی و تولید کننده حاکی از همبستگی بالای بین شاخصهای مذکور طی زمان است. انتظار می‌رود هر گونه فشار بر هزینه‌های تولید کالاها و خدمات، از طریق گروه کلایی شاخص بهای تولید کننده به شاخص بهای عمده فروشی و آنگاه به شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی منتقل شود و یا به صورت مستقیم از طریق گروه خدمات یا کالاهای عرضه مستقیم از تولید کننده به مصرف کننده، شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی را متاثر نماید. از طرف دیگر، افزایش شاخص بهای کالاهای وارداتی با توجه به وزن کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای در واردات، از شاخص بهای عمده فروشی به شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی سرایت می‌کند. این تکان‌های ناشی از فشار هزینه، به تناسب بین نوسانات شاخص‌های قیمت توزیع می‌شود و اثرات متقابل بعدی شاخص‌ها بر یکدیگر را به دنبال دارد. وقفه‌های زمانی انتقال نوسانات شاخص‌های قیمت بر یکدیگر، موجب پویایی‌های تورم در اقتصاد شده و تعبیر دیگری از چرخه «دستمزد - قیمت» و چرخه «فشار هزینه - فشار تقاضا» است.

براساس جدول ماتریس ضرایب همبستگی که حاکی از همبستگی بالای بین تغییرات ارقام ماهانه شاخصهای قیمت با یکدیگر می‌باشد، طی دوره ۸۲-۱۳۷۹ ضریب همبستگی بین تغییرات شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی و شاخص بهای عمده فروشی ۶۳/۶ درصد، بین تغییرات شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی و تولید کننده در حدود ۷۱/۶ درصد و بین تغییرات شاخص بهای عمده فروشی و تولید کننده ۹۸/۲ درصد است.

## ماتریس ضرایب همبستگی بین تغییرات شاخص های قیمت در دوازده ماهه منتهی به هر ماه طی دوره ۸۲-۱۳۷۹

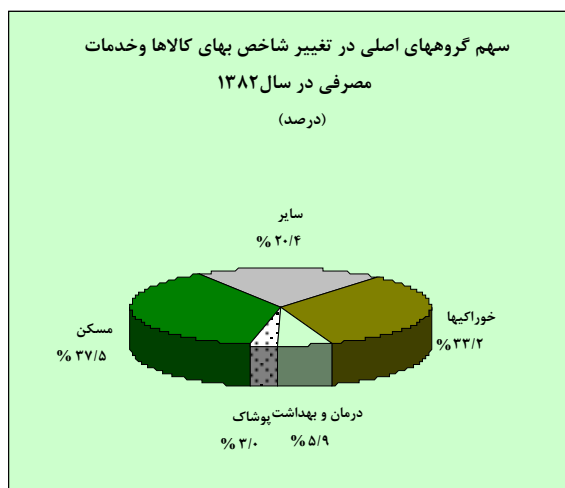
شاخص بهای تولید کننده	شاخص بهای عمده فروشی	شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی	
۰/۷۱۶	۰/۶۳۶	۱/۰۰۰	شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی
۰/۹۸۲	۱/۰۰۰	۰/۶۳۶	شاخص بهای عمده فروشی
۱/۰۰۰	۰/۹۸۲	۰/۷۱۶	شاخص بهای تولید کننده

### ۲- تغییر قیمت های نسبی

#### ۱-۲- شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی

##### ۱-۱-۲- مناطق شهری کشور

در سال ۱۳۸۲ متوسط شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری نسبت به سال قبل به میزان ۱۵/۶ درصد افزایش یافت که در مقایسه با سال ۱۳۸۱ از کاهشی به میزان ۰/۲ واحد درصد برخوردار بود. بررسی شاخص مذکور به تفکیک گروههای اختصاصی نشان می دهد که نرخ رشد شاخص بهای « کالا » و « مسکن ، سوخت و روشنایی » نسبت به سال قبل کاهش و نرخ رشد شاخص بهای



«خدمت» در مقایسه با سال قبل افزایش داشته است. در بین گروههای اختصاصی، شاخص بهای «کالا» بیشترین سهم را در افزایش شاخص کل ( به میزان ۴۴/۱ درصد) به خود اختصاص داد. سهم دو گروه «مسکن ، سوخت و روشنایی» و «خدمت» در افزایش شاخص کل به ترتیب به میزان ۳۷/۵ و ۱۸/۴ درصد بود.

بررسی شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی به تفکیک گروههای اصلی نشان می دهد که طی سال مورد بررسی از هشت گروه اصلی، نرخ رشد شاخص بهای گروههای «خوراکیها، آشامیدنیها و دخانیات»، «مسکن، سوخت و روشنایی» و «تفریح، تحصیل و مطالعه» در مقایسه با سال ۱۳۸۱ کاهش و نرخ رشد گروههای «کالاها و خدمات متفرقه»، «اثاث، کالاها و خدمات مورد استفاده در خانه»، «پوشاک»، «حمل و نقل و ارتباطات» و «درمان و بهداشت» در مقایسه با سال قبل افزایش یافت. در این بین، شاخص دو گروه «کالاها و خدمات متفرقه» و «پوشاک» به ترتیب از بیشترین و کمترین نرخ رشد نسبت به سال قبل برخوردار بوده اند.

در سال ۱۳۸۲ گروه اصلی «مسکن ، سوخت و روشنایی» بیشترین تاثیر را در افزایش شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی داشت. این گروه با ضریب اهمیتی بیش از ۲۷/۰ درصد در بین گروههای اصلی تشکیل دهنده شاخص کل، با نرخ ۱۸/۵ درصد نسبت به سال قبل رشد کرد و سهمی معادل ۳۷/۵ درصد از رشد شاخص کل را به خود اختصاص داد. دلیل اصلی رشد این شاخص نیز رشد شاخص گروه فرعی «مسکن» بود که با ۱۸/۹ درصد رشد نسبت به سال قبل مواجه بود و ۹۳/۲ درصد از افزایش شاخص گروه «مسکن ، سوخت و روشنایی» و ۳۵/۱ درصد از افزایش شاخص کل را به خود اختصاص داد. در این گروه اصلی، شاخص گروه فرعی «برق، آب و سوخت» که در سال ۱۳۸۱ با نرخ ۱۶/۳ درصد نسبت به سال قبل از آن افزایش یافته بود، در سال ۱۳۸۲ با نرخ ۱۴/۴ درصد رشد کرد و به دلیل ضریب اهمیت نسبی اندک آن در شاخص کل، تاثیر کمی در رشد شاخص کل داشت. دلیل اصلی افزایش شاخص گروه «برق، آب و سوخت»، افزایش سالانه بهای آب و برق مصرفی منازل به موجب مصوبات قانونی است.

پس از گروه اصلی «مسکن، سوخت و روشنایی»، رشد شاخص بهای گروه «خوراکیها، آشامیدنیها و دخانیات» بالاترین سهم را در رشد شاخص کل داشت. این گروه اصلی با دارا بودن بالاترین ضریب اهمیت نسبی در حدود ۳۲/۵ درصد در تشکیل شاخص کل، با نرخ ۱۵/۴ درصد نسبت به سال قبل رشد کرد و موجب ۵/۲ واحد درصد افزایش در شاخص کل گردید. دلیل اصلی افزایش شاخص گروه اصلی «خوراکیها، آشامیدنیها و دخانیات» افزایش شاخص بهای «گوشت قرمز، مرغ و ماهی» بود. شاخص گروه فرعی مذکور با نرخ ۱۷/۲ درصد نسبت به سال قبل رشد کرده و موجب ۱/۷ واحد درصد افزایش در شاخص کل گردید. لازم به ذکر است که شاخص بهای گوشت قرمز که در سال ۱۳۸۱ معادل ۳۶/۶ درصد افزایش یافته بود، در سال ۱۳۸۲ با افزایش کمتری به میزان ۲۳/۳ درصد مواجه گردید و ۹۰/۰ درصد از افزایش شاخص گروه «گوشت قرمز، مرغ و ماهی» را به خود اختصاص داد. شاخص بهای گوشت مرغ نیز که در سال ۱۳۸۱ معادل ۲۰/۶ درصد افزایش داشت، در سال ۱۳۸۲ از افت قابل ملاحظه ای برخوردار گردید و تنها ۱/۲ درصد رشد یافت. نرخ رشد دو جزء دیگر این گروه فرعی شامل شاخص بهای انواع ماهی و شاخص بهای کالباس در سال ۱۳۸۲ به ترتیب ۱۶/۷ درصد و ۲۱/۸ درصد و در سال ۱۳۸۱ به ترتیب ۱۹/۲ و ۱۹/۰ درصد بود.

بدین ترتیب، دو گروه اصلی «مسکن، سوخت و روشنایی» و «خوراکیها، آشامیدنیها و دخانیات» با مجموع ضریب اهمیتی نزدیک به ۵۹/۵ درصد در تشکیل شاخص کل، سهمی معادل ۷۰/۷ درصد از تورم سال ۱۳۸۲ را به خود اختصاص دادند، به طوری که در مجموع ۱۱/۱ واحد درصد از تورم ۱۵/۶ درصدی سال مورد بررسی به این دو گروه اصلی تعلق داشت.

در بین سایر گروههای اصلی تشکیل دهنده شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی، شاخص بهای «حمل و نقل و ارتباطات» و شاخص بهای «درمان و بهداشت» به ترتیب با ۱۳/۶ درصد و ۱۶/۹ درصد افزایش نسبت به سال قبل، موجب ۱/۴ واحد درصد و ۰/۹ واحد درصد افزایش در شاخص کل گردیدند. در گروه «حمل و نقل و ارتباطات» شاخص بهای گروه حمل و نقل عمومی با ۲۱/۵ درصد رشد نزدیک به ۵۰/۰ درصد از افزایش شاخص بهای این گروه را به خود اختصاص داد. همچنین شاخص بهای گروه «حمل و نقل شخصی» به میزان ۱۰/۰ درصد نسبت به سال قبل افزایش داشت که عمدتاً به دلیل رشد قیمت بنزین معمولی اتومبیل (معادل ۳۰/۰ درصد) و رشد بیمه شخص ثالث (معادل ۴۴/۵ درصد) بوده است. دلیل اصلی افزایش شاخص بهای «درمان و بهداشت» نیز افزایش شاخص گروه فرعی «خدمات درمانی» به میزان ۱۷/۳ درصد بود که حدود ۸۰/۰ درصد از افزایش شاخص گروه مذکور را به خود اختصاص داد.

شاخص بهای گروه «کالاها و خدمات متفرقه» و «تفریح، تحصیل و مطالعه» به ترتیب با نرخ رشد ۱۹/۷ درصد و ۱۳/۲ درصد نسبت به سال قبل، در مجموع موجب ۱/۲ واحد درصد افزایش در نرخ رشد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی گردیدند. افزایش هزینه کفن و دفن، هزینه حج و زیارت، هزینه اقامت در هتل یا مهمان پذیر و افزایش سالانه شهریه دانشگاهها و مدارس غیرانتفاعی به ترتیب عمده ترین علل موثر در رشد شاخص گروههای مذکور بودند.

بررسی تغییرات ماهانه شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در سال ۱۳۸۲ نشان می دهد که شاخص مذکور به جز شهریورماه در سایر ماههای سال با افزایش همراه بوده و بیشترین رشد این شاخص نسبت به ماه قبل در آذر ماه بود.

تغییرات متوسط شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی پیش و پس از حذف نوسانات فصلی طی سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲ در جدول زیر نشان داده شده است.

**تغییرات متوسط شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی  
پیش و پس از حذف نوسانات فصلی  
(هر دوره نسبت به دوره قبل)**

(درصد)

	پس از حذف نوسانات فصلی ▲			پیش از حذف نوسانات فصلی		
	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰
سه ماهه اول	۳/۵	۴/۱	۱/۷	۴/۹	۵/۵	۳/۳
سه ماهه دوم	۴/۰	۴/۷	۳/۶	۲/۲	۲/۸	۱/۵
سه ماهه سوم	۳/۰	۳/۳	۲/۸	۲/۲	۲/۵	۲/۱
سه ماهه چهارم	۳/۱	۴/۳	۳/۱	۴/۲	۵/۶	۴/۳

بررسی تغییرات شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی در هر فصل نسبت به فصل قبل نشان می دهد که تغییرات شاخص پیش از حذف نوسانات فصلی در فصلهای اول و چهارم هر سال بیشتر و در فصل های دوم و سوم کمتر از تغییرات آن در مقایسه با فصل های مشابه پس از حذف نوسانات فصلی می باشد. از دلایل اصلی این اختلاف ، می توان به تغییرات بیشتر شاخص بهای گروههای «خوراکیها، آشامیدنیها و دخانیات» ، «پوشاک» ، «اثاث، کالاها و خدمات مورد استفاده در خانه» ، «حمل و نقل و ارتباطات» و «کالاها و خدمات متفرقه» در فصلهای اول و چهارم سال به دلیل افزایش تقاضای جامعه در ماههای پایانی سال و عرضه کمتر محصولات کشاورزی در این فصلها اشاره کرد. از طرف دیگر، با حذف نوسانات فصلی از شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی، انتظار می رود اثرات انباشته عوامل دیگری مانند تجدید قرار دادهای اجاره مسکن، اثرات با وقفه رشد نقدینگی در ماههای پایانی سال قبل، اثرات با وقفه افزایش قیمتهای اداری در ماههای اول سال، افزایش تقاضای جامعه برای کالاها و خدمات گروههای «تفریح، تحصیل و مطالعه»، «پوشاک» و «حمل و نقل و ارتباطات» در سه ماهه دوم و سوم هر سال، از عوامل اصلی موثر در رشد بالاتر شاخص مذکور (پس از حذف نوسانات فصلی نسبت به فصل قبل) باشد.

بررسی تحولات شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری کشور به تفکیک استانهای مختلف نشان می دهد که در سال ۱۳۸۲ استانهای ایلام، کردستان و سمنان به ترتیب با نرخ تورم ۲۳/۱، ۲۲/۱ و ۱۸/۸ درصد از بالاترین نرخ تورم و استانهای سیستان و بلوچستان، گلستان و قم به ترتیب با ۱۱/۷، ۱۲/۵ و ۱۳/۱ درصد از پایین ترین نرخ تورم در بین استانهای کشور برخوردار بودند.

در این سال نرخ تورم در استان تهران ۱۴/۸ درصد بود. استان تهران به لحاظ جمعیت و سهم از هزینه کل خانوارهای مناطق شهری ، دارای سهم قابل ملاحظه ای به میزان ۳۴/۹ درصد در تشکیل شاخص کل می باشد. افزایش شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی در این استان ۵/۴ واحد درصد افزایش در شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی مناطق شهری کشور را توضیح داده و به تنهایی سهمی معادل ۳۴/۳ درصد در افزایش شاخص کل داشته است. استانهای اصفهان و خراسان به ترتیب با سهمی معادل ۸/۰ درصد و ۷/۲ درصد در رتبه های بعدی تاثیرگذاری بر افزایش شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری کشور قرار گرفتند.

### ۲-۱-۲- مناطق روستایی کشور<sup>(۱)</sup>

شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای روستایی کشور در سال ۱۳۸۲ نسبت به سال قبل ۱۸/۱ درصد افزایش یافت. نرخ رشد این شاخص در سال ۱۳۸۱ معادل ۱۶/۴ درصد بود. بررسی شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای روستایی به تفکیک دو گروه اختصاصی تشکیل دهنده آن نشان می دهد که شاخص بهای «کالا» با نرخ ۱۶/۰ درصد (در مقایسه با ۱۴/۹ درصد در سال ۱۳۸۱) و شاخص بهای «خدمت» با نرخ ۲۵/۰ درصد (در مقایسه با ۲۱/۷ درصد در سال ۱۳۸۱) افزایش یافته اند. دو گروه اختصاصی

۱- منبع آمار این بخش، نشریه «شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای روستایی کشور» ، مرکزآمار ایران می باشد و سال پایه این شاخص، سال ۱۳۷۴ است. در سال ۱۳۸۲ در روش محاسبه شاخص قیمت این کالاها تجدید نظر به عمل آمده است. در روش جدید ابتدا برای هر یک از منابع اطلاع کالا یا خدمت، قیمت نسبی محاسبه شده و سپس میانگین هندسی قیمتهای نسبی محاسبه شده است.



مذکور با ضرایب اهمیت ۸۳/۴ درصد و ۱۶/۶ درصد در تشکیل شاخص کل، به ترتیب ۶۷۷ و ۳۱/۳ درصد از افزایش شاخص کل را به خود اختصاص دادند.

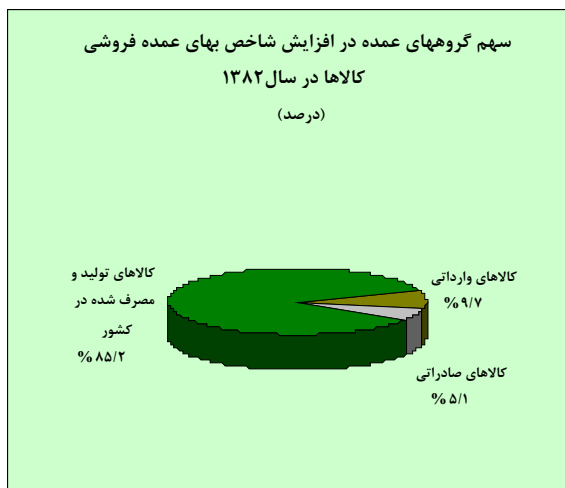
در سال مورد بررسی، شاخص بهای گروه «خوراکیها، آشامیدنیها و دخانیات» به میزان ۱۸/۲ درصد و شاخص بهای «کالاهای غیر خوراکی و خدمات» به میزان ۱۷/۹ درصد نسبت به سال قبل رشد نمود. در سال ۱۳۸۲ سهم گروه «خوراکیها و آشامیدنیها و دخانیات» از افزایش شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای روستایی به میزان ۴۵/۶ درصد و سهم گروه «کالاهای غیرخوراکی و خدمات» از افزایش شاخص کل به میزان ۵۴/۴ درصد بوده است.

در سال مورد بررسی، به جز نرخ رشد شاخص دو گروه «پوشاک و کفش» و «اثاث، کالاها و خدمات مورد استفاده در منزل»، نرخ رشد شاخص سایر گروههای اصلی تشکیل دهنده شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای روستایی نسبت به سال قبل افزایش داشت. در این بین افزایش نرخ رشد شاخص گروههای «مسکن، آب و برق، سوخت و روشنایی» و «حمل و نقل و ارتباطات» بیشتر از سایر گروهها بود.

در سال ۱۳۸۲ شاخص گروه «خوراکیها، آشامیدنیها و دخانیات» با ۱۸/۲ درصد رشد نسبت به سال گذشته، به دلیل دارا بودن ضریب اهمیت قابل توجه ۵۰/۶ درصد در تشکیل شاخص کل، سهمی معادل ۴۵/۶ درصد در رشد این شاخص داشت. در این گروه اصلی، شاخص گروه فرعی «میوه ها و سبزیها» با ۳۱/۱ درصد رشد نسبت به سال گذشته موجب ۲/۳ واحد درصد افزایش در رشد شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای روستایی شد و به میزان ۱۲/۷ درصد در رشد آن نقش داشت.

پس از گروه اصلی «خوراکیها، آشامیدنیها و دخانیات» گروههای «مسکن، آب و برق، سوخت و روشنایی» و «بهداشت و درمان» به ترتیب با ۲۰/۵ و ۱۰/۲ درصد بیشترین سهم را در رشد شاخص کل ایفا نمود. سه گروه اصلی مذکور در مجموع معادل ۷۶/۳ درصد از افزایش شاخص کل را به خود اختصاص دادند.

## ۲-۲- شاخص بهای عمده فروشی کالاها



متوسط شاخص بهای عمده فروشی کالاها در سال ۱۳۸۲ نسبت به سال قبل به میزان ۱۰/۱ درصد افزایش یافت. نرخ رشد این شاخص در سال گذشته ۹/۶ درصد بود. دلیل اصلی افزایش مذکور در سال ۱۳۸۲، افزایش نرخ رشد شاخص گروه عمده «کالاهای تولید و مصرف شده در کشور» از ۱۱/۱ درصد در سال گذشته به ۱۱/۶ درصد در سال مورد بررسی بود. افزایش شاخص این گروه عمده نیز ناشی از افزایش شاخص بهای دو گروه اصلی «محصولات صنعتی» و «کشاورزی، دامداری و جنگلداری» در شاخص بهای تولید کننده بوده است.

در سال مورد بررسی، نرخ رشد شاخص بهای «کالاهای وارداتی» نسبت به سال گذشته افزایش داشت و از ۴/۱ درصد در سال ۱۳۸۱ به ۴/۸ درصد در سال مورد بررسی بالغ گردید. با توجه به یکسان سازی نرخ ارز از سال ۱۳۸۱ افزایش نرخ رشد شاخص بهای کالاها و وارداتی را می توان بیشتر به افزایش قیمت ها در بازارهای جهانی مربوط دانست. در مقابل، نرخ رشد شاخص بهای

کالاهای صادراتی از ۱۰/۳ درصد در سال ۱۳۸۱ به ۹/۵ درصد در سال ۱۳۸۲ کاهش یافت که حاکی از بهبود شرایط رقابت کالاهای صادراتی کشور در بازار های جهانی می باشد.

عوامل اصلی تاثیرگذار بر شاخص بهای کالاهای وارداتی به کشور شامل قیمت های جهانی، حقوق ورودی و نرخ ارز مورد استفاده در محاسبات گمرکی می باشد. در سال ۱۳۸۲ رکود حاکم بر اقتصاد جهانی، که بدنبال حادثه بیستم شهریور ماه ۱۳۸۰ (۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی) پدید آمده بود، تا حدودی مرتفع گردید و قیمت کالاها و خدمات در بازار جهانی افزایش یافت. در سال ۱۳۸۲ نرخ ارز مورد استفاده در محاسبات گمرکی بطور متوسط ۷۹۲۰ ریال به ازای هر دلار بوده است. نرخ مشابه در سال ۱۳۸۱ به میزان ۷۷۶۱/۷ ریال بود. نرخ موثر حقوق ورودی نیز در سال ۱۳۸۱ به میزان ۹/۲ درصد بود که در سال ۱۳۸۲ به ۱۰/۵ درصد افزایش یافت<sup>(۱)</sup>.

در مورد شاخص بهای کالاهای صادراتی کشور نیز می توان از شیوه ارزش گذاری گمرک، قیمت جهانی کالاهای سرمایه ای و واسطه ای، قیمت تمام شده کالاهای صادراتی کشور و تورم داخلی بعنوان عوامل موثر بر این شاخص نام برد. به نظر می رسد در سال ۱۳۸۲ رشد شاخص بهای کالاهای صادراتی عمدتاً متأثر از افزایش قیمت تمام شده کالاهای صادراتی کشور ناشی از تورم سال ۱۳۸۱ و سالهای قبل از آن باشد.

در بین گروههای اصلی شاخص بهای عمده فروشی کالاها، شاخص بهای «مواد خوراکی» با ۱۲/۶ درصد رشد نسبت به سال قبل با توجه به ضریب اهمیت قابل ملاحظه ۳۵/۴ درصدی آن در تشکیل شاخص کل، سهمی معادل ۴۹/۹ درصد در رشد شاخص مذکور داشت. افزایش شاخص بهای گوشت قرمز به میزان ۱۸/۵ درصد، ماهی آبهای شمال ۲۱/۲ درصد، لبنیات ۱۳/۲ درصد، گندم ۱۴/۷ درصد، جو ۲۰/۹ درصد، میوه های تازه ۱۵/۳ درصد، سبزیهای تازه ۲۶/۱ درصد، قند و شکر ۹/۳ درصد، چغندر قند ۱۸/۶ درصد، عسل ۲۰/۴ درصد و چای ۲۷/۲ درصد بیشترین اثر را در افزایش شاخص بهای گروه مواد خوراکی داشت.

پس از شاخص گروه «مواد خوراکی»، شاخص گروه «مصنوعات برحسب مواد اولیه» با ۱۰/۶ درصد رشد نسبت به سال قبل و با ضریب اهمیتی در حدود ۲۶/۹ درصد در تشکیل شاخص کل، سهمی معادل ۲۴/۹ درصد از رشد شاخص کل را به خود اختصاص داد. گروه «ساخت های معدنی و فرآورده های آن» نیز با ۲۰/۹ درصد رشد نسبت به سال قبل، با بیشترین رشد در بین گروههای اصلی، دارای سهمی معادل ۱۰/۲ درصد در رشد شاخص کل بود. مصوبات اداری ناظر به افزایش قیمت بعضی از اقلام نفت و مشتقات آن در ماههای ابتدای سال، تاثیر بسزایی در افزایش شاخص بهای این گروه داشت. در سال مورد بررسی، افزایش بهای نفت سفید، بنزین معمولی، بنزین هواپیما، نفت گاز و روغن های موتور دلایل اصلی افزایش شاخص بهای گروه «ساخت های معدنی و فرآورده های آن» بودند. بدین ترتیب، رشد شاخص سه گروه اصلی «مواد خوراکی»، «مصنوعات برحسب مواد اولیه» و «ساخت های معدنی و فرآورده های آن» در مجموع ۸۵/۰ درصد از رشد شاخص بهای عمده فروشی کالاها طی سال ۱۳۸۲ را توجیه می کند.

در سال ۱۳۸۲ متوسط شاخص بهای گروه «مواد صنعتی غیر از مواد سوختنی معدنی» افزایشی معادل ۱۰/۵ درصد داشت که بالاتر از ۳/۳ درصد و ۲/۶ درصد افزایش این شاخص در سالهای ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ بوده است. در بین گروههای فرعی و اقلام مشمول این گروه، افزایش شاخص بهای دانه کنجد، چوب های غیر جنگلی، پنبه، شن و ماسه و سالامبور صادراتی قابل ملاحظه بود. در سال مورد بررسی، متوسط شاخص بهای گروه ماشین آلات و وسایل نقلیه نسبت به سال قبل ۲/۵ درصد بالا رفت که کمترین افزایش در بین گروههای اصلی تشکیل دهنده شاخص کل بود.

۱- نرخ موثر حقوق ورودی از تقسیم مجموع حقوق ورودی بر ارزش ریالی واردات بدست می آید.

در بین گروههای اختصاصی شاخص بهای عمده فروشی کالاها، نرخ رشد شاخص بهای «مصالح ساختمانی» در سال ۱۳۸۲ نسبت به نرخ مشابه سال ۱۳۸۱ از کاهش قابل ملاحظه ای برخوردار بود. نرخ رشد این گروه از ۱۹/۴ درصد در سال ۱۳۸۱ به ۱۳/۰ درصد در سال ۱۳۸۲ کاهش یافت و دلیل آن کاهش نرخ رشد شاخص بهای مصالح غیر فلزی از ۳۰/۷ درصد در سال ۱۳۸۱ به ۱۴/۰ درصد در سال ۱۳۸۲ بود. رکود بازار مسکن در سال ۱۳۸۲ در شهرهای بزرگ کشور و کاهش سرمایه گذاری در این بخش، دلیل اصلی کاهش نرخ رشد شاخص قیمت مصالح غیر فلزی در این سال بوده است.

از طرف دیگر نرخ رشد شاخص قیمت مصالح ساختمانی فلزی از ۱۰/۲ درصد در سال ۱۳۸۱ به ۱۱/۹ درصد در سال ۱۳۸۲ افزایش یافت. در سال ۱۳۸۲ به دنبال افزایش تقاضای جهانی و ثبات میزان عرضه محصولات فولادی در سطح بین المللی و در برخی مقاطع زمانی خاص حتی کاهش عرضه آن، قیمت‌های جهانی این محصولات افزایش قابل ملاحظه ای داشت. به دنبال افزایش قیمت‌های جهانی و تلاش در جهت تکمیل پروژه های عمرانی علی‌رغم رکود نسبی حاکم در بخش مسکن، افزایش قیمت‌های نسبی محصولات فولادی، انتظارات تورمی و تقاضای سفته بازی و نیز عدم انجام کامل تعهدات شرکتهای تولید کننده محصولات فولادی در سال ۱۳۸۲، تقاضای این محصولات از عرضه آن پیشی گرفت و در نتیجه قیمت محصولات فوق با رشد همراه بود.

## ۲-۳- شاخص بهای تولید کننده

در سال ۱۳۸۲ شاخص بهای تولید کننده نسبت به سال قبل ۱۵/۷ درصد رشد داشت. نرخ رشد این شاخص در سالهای ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ به ترتیب به میزان ۱۰/۹ و ۱۳/۵ درصد بود. در بین گروههای اختصاصی تشکیل دهنده شاخص بهای تولید کننده، شاخص بهای «خدمات» از بالاترین نرخ رشد در بین گروههای اختصاصی برخوردار بود و با توجه به ضریب اهمیت قابل ملاحظه آن در تشکیل شاخص کل، بیشترین سهم را در رشد شاخص بهای تولید کننده داشت. نرخ رشد شاخص بهای دو گروه اختصاصی دیگر شامل گروه «کشاورزی، دامداری، جنگلداری و ماهیگیری» و گروه «مواد معدنی، محصولات صنعتی و تامین برق، گاز و آب» نیز در مقایسه با سال قبل افزایش یافت. این افزایش در مورد شاخص گروه «کشاورزی، دامداری، جنگلداری و ماهیگیری» از ۱۲/۴ درصد در سال ۱۳۸۱ به ۱۵/۶ درصد در سال ۱۳۸۲ و در مورد شاخص گروه «مواد معدنی، محصولات صنعتی و تامین برق، گاز و آب» از ۹/۹ درصد به ۱۰/۹ درصد بود.

در بین گروههای اصلی شاخص بهای تولید کننده، بیشترین سهم در رشد این شاخص به ترتیب به گروههای «محصولات صنعتی»، «کشاورزی، دامداری و جنگلداری»، «مستغلات، اجاره و فعالیتهای کار و کسب» و «حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات» اختصاص داشت. در سال ۱۳۸۲ شاخص بهای «محصولات صنعتی» با ۱۰/۷ درصد رشد نسبت به سال قبل، در مقابل ۱۰/۳ درصد رشد در سال ۱۳۸۱، با توجه به ضریب اهمیت قابل توجه آن در تشکیل شاخص کل نزدیک به ۴۵/۲ درصد، به تنهایی سهمی معادل ۲۸/۳ درصد در رشد آن نقش داشت. شاخص بهای «کشاورزی، دامداری و جنگلداری»، با نرخ رشد ۱۵/۸ درصد در مقابل ۱۲/۲ درصد رشد در سال ۱۳۸۱، دارای سهمی معادل ۲۴/۰ درصد در رشد شاخص کل و دو گروه «مستغلات، اجاره و فعالیتهای کار و کسب» و «حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات» به ترتیب با نرخ رشد ۱۹/۱ و ۱۹/۶ درصد، سهمی معادل ۱۵/۰ و ۱۳/۸ درصد در رشد شاخص کل بهای تولید کننده داشتند. در مجموع، چهار گروه مذکور با در اختیار داشتن ضریب اهمیتی در حدود ۹۰ درصد در شاخص بهای تولید کننده، ۸۱/۱ درصد از رشد شاخص مذکور در سال ۱۳۸۲ نسبت به سال ۱۳۸۱ را به خود اختصاص دادند.

شایان ذکر است که در بین گروههای اصلی شاخص بهای تولید کننده، نرخ رشد گروه « واسطه گریهای مالی» نسبت به سال قبل به میزان ۶۱/۵ درصد بود. دلیل اصلی رشد فوق العاده شاخص این گروه، افزایش شاخص بهای حق بیمه و کارمزد بورس اوراق بهادار در سال ۱۳۸۲ بوده است. همچنین، شاخص بهای «مواد معدنی» از کمترین نرخ رشد به میزان ۴/۲ درصد در بین گروههای اصلی شاخص بهای تولید کننده برخوردار بود.

## ۲-۴- شاخص بهای کالاهای صادراتی

در سال ۱۳۸۲ شاخص بهای کالاهای صادراتی به میزان ۱۱/۷ درصد نسبت به سال قبل افزایش یافت. نرخ رشد این شاخص در سالهای ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ به ترتیب ۱/۳ و ۵/۷ درصد بود. در بین گروههای تشکیل دهنده شاخص بهای کالاهای صادراتی، شاخص بهای گروه «محصولات حیوانی» به دلیل افزایش قیمت روده گوسفندی رتبه بندی شده و انواع ماهی منجمد از بالاترین نرخ رشد نسبت به سال قبل به میزان ۲۸/۶ درصد برخوردار گردید. شاخص بهای این گروه در سال ۱۳۸۱ به میزان ۱۵/۸ درصد افزایش یافته بود. شاخص دو گروه «فلزات معمولی و مصنوعات آنها» و «محصولات صنایع شیمیایی و صنایع وابسته» نیز به ترتیب با ۲۷/۵ و ۱۷/۸ درصد رشد در رتبه های بعدی افزایش در بین گروههای اصلی تشکیل دهنده شاخص بهای کالاهای صادراتی قرار گرفتند. در سال مورد بررسی، شاخص دو گروه «محصولات نباتی» و «دستگاههای اپتیک، دقت سنجی و پزشکی» به ترتیب با ۲/۳ و ۰/۳ درصد کاهش نسبت به سال ۱۳۸۱ مواجه شدند.

در سال ۱۳۸۲ در بین گروههای اصلی تشکیل دهنده شاخص کل بهای کالاهای صادراتی، دو گروه «محصولات صنایع شیمیایی و صنایع وابسته» و «مواد نسجی و مصنوعات از این مواد» بیشترین تاثیر را در افزایش شاخص کل به ترتیب به میزان ۲۳/۷ و ۲۲/۲ درصد داشتند. در گروه «محصولات صنایع شیمیایی و صنایع وابسته» افزایش شاخص بهای بنزن به میزان ۲۴/۸ درصد، اتیلن و پروپیلن به میزان ۲۵/۵ درصد و گوگرد به میزان ۱۶۶/۷ درصد در سال ۱۳۸۲ نسبت به سال قبل چشمگیر بود. همچنین، در گروه «مواد نسجی و مصنوعات از این مواد» افزایش شاخص بهای فرش پشمی دستباف، پوشاک و پارچه الیاف مصنوعی قابل ملاحظه بوده است. بررسی تغییرات ماهانه شاخص بهای کالاهای صادراتی در سال ۱۳۸۲ نشان می دهد این شاخص در ماههای فروردین، اردیبهشت و اسفند کاهش و در سایر ماههای سال افزایش یافته و بیشترین رشد این شاخص نسبت به ماه قبل در دی ماه بود.

## ۳- روند قیمت و بازده داراییها

الگوی تحولات و نحوه چرخش منابع در بازار داراییها یکی از موضوعات مورد توجه سیاستگذاران هر اقتصاد است. در حقیقت کارکرد و کارآمدی این بازار همراه با فعالیت دیگر بازارهای اصلی اقتصاد شامل کالا و کار، آثار مهمی بر متغیرهای عمده اقتصاد کلان به ویژه سطح عمومی قیمتها، تشکیل سرمایه و شتاب رشد اقتصادی بر جای می گذارد. مهمترین وظیفه و کارکرد بازار داراییها شامل پول و ارز، سرمایه و داراییهای حقیقی را می توان در تامین مالی فعالیتهای بخش واقعی، شکل دهی به انتظارات تورمی و جذب عدم تعادلها و شوکهای وارده به این بخش خلاصه نمود.

بررسی بازار داراییها در اقتصاد ایران حاکی از آن است که در چند سال اخیر ضمن گسترش سریع این بازارها، ورود نقدینگی و تقاضای قابل توجه موجب افزایش قیمت داراییها با نرخ های متفاوت شده است. در جدول ذیل روند رشد قیمت و بازدهی بعضی از انواع داراییها طی دوره ۸۲-۱۳۷۸ نشان داده شده است.

در سال ۱۳۸۲ تمایل عمومی پس انداز کنندگان به سرمایه گذاری در بورس اوراق بهادار که در سالهای گذشته آغاز شده بود تداوم داشت. رکود نسبی و افت بازدهی سایر داراییها، ورود سرمایه قابل توجه با منشاء خارجی در نتیجه بازدهی بالای بورس ایران و ناچیز بودن ریسک نرخ ارز، بهبود سیستم اطلاع رسانی بورس و تلاش های سازمان بورس اوراق بهادار برای شفافیت بازار و اطلاعات رسانی، زمینه ساز این پدیده بوده است.

ساختمان و مسکن در ایران علاوه بر دارا بودن ارزش ذاتی همواره ذخیره ارزش بالقوه مناسبی تلقی شده است. روند فزاینده و شتابان قیمت معاملاتی مسکن در سالهای اخیر چنان جذابیتی برای سرمایه گذاران و پرتفوداران ایجاد کرده که بخش عظیمی از پس انداز جامعه و حتی ایرانیان غیر مقیم در چند سال اخیر جذب ساخت و ساز واحدهای مسکونی شده و در بعضی ادوار روند ورود سرمایه را تسریع کرده است.

## روند رشد قیمت و بازدهی بعضی از انواع داراییها

(درصد)

	انحراف معیار	نسبت میانگین به انحراف معیار(۱)	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸		
	۱۵/۷	۰/۴	۳/۸	۰/۱	-۲/۲	-۵/۱	۳۳/۶	قیمت اسمی دلار	
	۹/۴	۰/۶	۰/۶	۵/۷	-۱/۴	۰/۱	۲۱/۳	شاخص قیمت اتومبیل سواری (پراید)	
	۹/۲	۰/۹	۳/۴	۵/۸	-۰/۷	۷/۹	۲۳/۴	شاخص قیمت اتومبیل سواری (پیکان)	
	۱۲/۸	۱/۱	۲۳/۱	۱۴/۹	۰/۶	۳/۰	۳۰/۵	قیمت سکه بهار آزادی	
	۳۸/۱	۱/۹	۱۳۸/۶	۵۱/۲	۴۳/۷	۵۹/۹	۷۰/۸	شاخص قیمت و بازده نقدی سهام	
	۱۱/۲	۲/۴	۳۶/۰	۳۶/۵	۲۰/۲	۳۱/۷	۱۰/۷	شاخص قیمت زمین	
	۴/۱	۳/۵	۲۰/۰	۱۴/۷	۱۴/۷	۹/۵	۱۱/۱	هزینه یک متر مربع بنای ساختمانهای تکمیل شده	
	۱/۷	۱۰/۴	۱۷/۰	۱۵/۰	۱۷/۰	۱۹/۰	۱۹/۰	نرخ سود اوراق مشارکت دولت	
	۱/۴	۱۳/۱	۱۹/۴	۲۰/۰	۱۹/۹	۱۸/۶	۱۶/۵	شاخص کرایه خانه های مسکونی اجاری	
	۱/۰	۱۷/۵	۱۷/۰	۱۷/۰	۱۷/۰	۱۹/۰	۰۰۰	نرخ سود اوراق مشارکت بانک مرکزی	
	۰/۵	۲۴/۵	۱۳/۰	۱۳/۰	۱۳/۰	۱۴/۰	۱۴/۰	نرخ سود علی الحساب سپرده‌های سرمایه گذاری یک ساله	
	۳/۴	۴/۵	۱۵/۱	۱۵/۶	۱۵/۸	۱۱/۴	۱۲/۶	۲۰/۱	شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی

۱- نسبت مذکور حاصل تقسیم ارقام کامل میانگین بر انحراف معیار می باشد.

متوسط ارزش هر قطعه سکه بهار آزادی در سال ۱۳۸۲ نسبت به سال گذشته ۲۳/۲ درصد رشد داشت. افزایش این شاخص در ماههای پایانی سال را می توان به عواملی نظیر تقاضای ناشی از پوشش ریسک افراد در مقابل تهدیدات نظامی در منطقه و مشکلات آن، افزایش قیمت جهانی این فلز و چرخش بخشی از نقدینگی از سایر داراییها به طلا به دلیل اشباع بازارهای مذکور مربوط دانست. رویکرد به دارایی هایی نظیر خودرو و دیگر کالاهای بادوام نیز عمدتاً با انگیزه مصرف بوده و به دلیل افزایش عرضه سالهای اخیر از جذابیت خاصی برای سفته بازان برخوردار نبوده است.